روزنه

دیوارنویس زندان

• در بیست‌وپنجم مهرماه ۱۳۱۸ که محمد فرخی‌یزدی شاعر، روزنامه‌نگار و وکیل دوره هفتم مجلس شورای ملی در زندان قصر درگذشت، برای مطبوعات آن زمان اتفاق مهمی نبود. هنوز از استبداد رضاخانی حدودا دو سالی باقی مانده بود و ظاهرا مرگ مشکوک یکی از بنیان‌گذاران مطبوعات مستقل ایران، خبر درخوری نبود. فرخی در ۱۳۰۰ -در طلیعه همین قرن پرآشوب ما- روزنامه «طوفان» را تأسیس کرد و با آنکه بیش از پانزده بار توقیف شد، تا زمان توقیف و حبس مدیرمسئول آن، از انتشار بازنماند. فرخی از فرزندان طوفان مشروطیت بود و با محیط خفقان‌زده و استبداد کنار نمی‌آمد. اساسا اهل کنارآمدن نبود. زبان تندوتیزی داشت و تنها دو بیت در وصف ضیغم‌الدوله قشقایی، حاکم یزد را واداشت تا دستور بدهد دهانش را با نخ‌وسوزن بدوزند. در مجلس هفتم هم که به‌صراحت از رضاخان انتقاد کرد، هواداران سردار سپه طاقت نیاوردند و حیدری، نماینده مهاباد به‌سختی او را مورد ضرب‌وشتم قرار داد. فرخی در شگفت مانده بود که این چه خانه عدل و دادی است که وکیل ملت در آن امنیت ندارد. فرخی دستش همه‌جا که کوتاه می‌شد، با زغال بر دیوار زندان‌ها می‌نوشت. همین اواخر علی‌اصغر مونسان، مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای شهری چنین گفته بود که بر دیوار یکی از سلول‌های زندان قصر اشعاری از فرخی رؤیت شده است و به ظن قریب‌به‌یقین فرخی در همان سلول زندانی بوده است.

به‌استثنای بیست‌وپنجم مهرماه ۱۳۱۸ که پزشک احمدی به سلولش آمد و کار را یکسره کرد، در اغلب اوقات فرخی گریزپا بود. بارها موفق شده بود از زندان فرار کند. بعد از آنکه در زندان یزد دهانش را دوختند، مردم سر به اعتراض برداشتند و حتی وزیر کشور وقت را به استیضاح کشاندند. دولت همه‌چیز را انکار می‌کرد. صدای هیچ‌کس به جایی نمی‌رسید. اما فرخی به‌تنهایی دو ماه بعد از زندان فرار کرد. واقعیت آن است که فرخی از چنگ رضاخان نیز گریخته بود و از طریق شوروی خود را به آلمان رسانده بود. اما چندی بعد با فریب تیموتاش به ایران بازگشت و گرفتار شد. او از مخالفان سرسخت قرارداد ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله بود و از هر راهی که باز بود اعتراضش را به گوش همگان رساند.

اما دلیل توقیف فرخی‌یزدی جرم سیاسی نبود. شهربانی وقت، آقا رضا کاغذفروش را مجبور کرد تا بدهی‌اش از فرخی را مطالبه کند. شاعر پولی در بساط نداشت. در آن زمان با حق‌التبعید روزانه گذران زندگی می‌کرد. داروندارى نداشت. بی‌خانمان و دربه‌در هر شب در جایی سکونت می‌کرد. کاخ و قصرش، «کاخ دادگستری» و «زندان قصر» بود. رأی بدوی دادگاه روزنامه‌نگار بدهکار، بیست‌وهفت ماه زندان بود. در تجدیدنظر، قانون برای قانون‌گذار سابق سی ماه زندان در نظر گرفت. فرخی بی‌خانمان، پس از مرگ گوری از آن خود نیافت. در جایی نامعلوم دفنش کردند. برخی معتقدند که در گوری بی‌نام‌ونشان در مسگرآباد دفن شده است. ولی کسی محل دفن او را به‌درستی نمی‌داند. در گواهی رئیس زندان، علت فوت ابتلا به مالاریا و نفریت ذکر شده است.

پس از شهریور بیست، معلوم شد که مرگ فرخی به دلیل تزریق آمپول هوا بوده است. از طنزهای تلخ تاریخ معاصر ایران، یکی هم این که فرخی در طلب هوای آزادی و طوفان بود و با هوا جان سپرد. طنز دیگر اینکه تیموتاش هم به سرنوشت فرخی دچار شد. فرخی همواره در انتظار طوفانی بود که در آن خدای آزادی، ناخدای استبداد را شکست می‌داد. نقل این نبرد را خود در غزلی آتشین آورده است. بی‌دلیل نبود که در بهمن پنجاه‌وهفت، این غزل به یکی از سرودهای انقلاب بدل شد: «درمحیط طوفان‌زای ماهرانه در جنگ است/ ناخدای استبداد با خدای آزادی». تا قبل از بیست‌وپنجم مهرماه ۱۳۱۸، تا سهم شاعر و روزنامه‌نگار عصر استبداد از هوای آزادی مستقیما در رگ‌هایش جریان یابد، تا قبل گواهی جعلی فوت و تأییدیه دادستان تهران، غالب اسناد گواه آن‌اند که فرخی آرام و قرار نداشت. از کودکی به گریزپایی شهرت داشت و همیشه از مکتب و مدرسه می‌گریخت. او که چندین‌بار موفق شده بود از زندان فرار کند، در شامگاه برآمدن استبداد رضاخان نیز از مملکت گریخت. بااین‌همه، سرانجام محکوم بدهکار زندان قصر بود. پاییز ۱۳۱۸ امانش نداد تا زنده بماند و هوای طوفان‌زای دو سال بعد را ببیند.

از مشروطیت به بعد، حداقل در پنج روزنامه به‌طور مداوم نوشت. ذهن کنجکاوش به همه‌جا سرک می‌کشید. اما آزادی و برابری دو آرمان بزرگش بود که هیچ‌وقت در زندگی‌اش تجربه‌شان نکرد. از همه اینها گذشته، فرخی یکی از مؤسسان روزنامه‌نگاری مدرن بود که در گمنامی و بی‌گوری به جرم بدهکاری زندگی را وداع گفت. اگرچه ادبیات ما، تا حد زیادی حق فرخی یزدی را ادا کرده است و محمدعلی سپانلو، شاعرِ فقید معاصر او را در زمره یکی از «چهار شاعرآزادی» برشمرده است و در کتب درسی و دانشگاهی نیز شخصیت ثبت‌شده‌ای است اما مطبوعات ایران به روزنامه‌نگار بدهکار همچنان بدهکار است.

نارضایتی مقام معظم رهبری از تحصن مقابل مجلس

شرق: مقام معظم رهبری از اقدام برخی از طلاب و دانشجویان در تحصن مقابل مجلس شورای اسلامی ابراز نارضایتی کرده و خواستار جمع‌آوری آن شده بودند. به گزارش «تسنیم»، نشریه «خط حزب‌الله» نوشت: «رهبر انقلاب از اقدام برخی از طلاب و دانشجویان در تحصن مقابل مجلس شورای اسلامی ابراز نارضایتی کرده و خواستار جمع‌آوری آن شده بودند. یکی از این افراد نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت: از چند مسیر موثق، مطلع شدیم که رهبر معظم انقلاب با ادامه این تحصن مخالف هستند.

عمارلو در این خصوص گفت: پس از اطلاع‌یافتن از موضع دفتر معظم‌له مبنی‌بر اتمام تحصن، ما نیز همانند سربازی مطیع فورا اقدام به اتمام تحصن کردیم. درعین‌حال که رهبر انقلاب همواره بر لزوم نقد صحیح تأکید داشته‌اند اما بارها در سال‌های اخیر در چند سخنرانی، نارضایتی خود را نسبت به اقدامات غیرمتعارف، غیرقانونی و ناشایسته اعلام کرده بودند».

به نوشته «پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»، نشریه «خط حزب‌الله» به‌عنوان رسانه مکتوب پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR با هدف انتشار در محافل انقلابی، نمازهای جمعه، هیأت‌های مذهبی و پایگاه‌های بسیج منتشر می‌شود.

بخشی از نامه متهم نفتی به نمایندگان

بدون سروصدا هم می‌شد توافق کرد



مسعود کاظمی: شاید بابک زنجانی در زندان بیش از زمان آزادی‌اش دست به قلم شده باشد. متهم ردیف اول پرونده معروف به فساد نفتی، که در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در حال رسیدگی است، از ۹ دی ۱۳۹۲ در زندان به سر می‌برد. رسول کوهپایه، وکیل او، پیش از این به «شرق» گفته بود که زنجانی از ابتدای بازداشت تاکنون در سلول انفرادی نگهداری می‌شود اما بر اساس قوانین سازمان زندان‌ها رسانه‌ها به دستش می‌رسد. شاید به همین دلیل است که با خواندن مطالب رسانه‌ها اقدام به نامه‌نگاری کرده و احتمالا باز هم می‌کند. ۱۶ تیر ۹۴ نامه‌ای از زنجانی خطاب به دادستان تهران منتشر شد که در آن اعتراض خود را نسبت به سقوط پرحاشیه باشگاه راه‌آهن از لیگ برتر فوتبال ابراز کرده و نوشته بود: «کمیته استیناف باید بداند اگر فکر می‌کند صاحب سهام در زندان است و دستش کوتاه است بتواند با همدستی با یک باشگاه سقوط‌کرده چون پیکان اتفاقاتی را رقم بزند، کاملا در اشتباه است و از دادستان محترم تقاضای پیگیری دارم. من چه کنم که همه دنبال ضایع‌کردن حق و زندگی من شده‌اند که به خواسته خود برسند. هرکس از هرجا می‌تواند به مجموعه من آسیب می‌رساند و پاسخ‌گویی هم وجود ندارد». البته تاریخ نگارش آن نامه متعلق به هشتم تیر بود که با تأخیر بیش از یک هفته‌ای منتشر شد. هفتم مهر هم نامه‌ای از بابک زنجانی خطاب به رئیس‌جمهوری منتشر شد که در آن به اینکه از سوی معاون اول دولت یازدهم گردن‌کلفت خطاب شده بود گلایه کرده بود. زنجانی در بخشی از آن نامه نوشته بود: «من هیچ وقت با وزارت نفت معامله نکرده‌ام؛ یک مجموعه نفتی در خارج نفت فروخته و پول آن را در حسابی که معرفی کرده، دریافت کرده و به واسطه آن پول بلوکه‌شده و حال که دولت عوض شده، به‌زور می‌گوید پول را دوباره پرداخت کن؛ چون صاحب بانک و سهام‌دار من هستم. آقای دکتر من در بانک متعلق به خودم درباره همه سپرده‌گذاران مسئولم؛ چرا باید اطلاعات یک بانکی را که ربطی به این کشور ندارد، در اختیار معاون‌اول شما بگذارم که ایشان به من نگوید گردن‌کلفت! آیا اگر شما جای من بودید چنین می‌کردید؟ باری در اختیار شرکت خارجی خود گذاشته و آن هم پولش را دریافت کرده، می‌توانست در بانکی دیگر وصول کند، حال که تحریم شده من مقصرم؟» البته تاریخ نگارش این نامه هم اول مرداد ۹۴ بود و با تأخیری دوماهه توسط شبکه اطلاع‌رسانی دانا منتشر شد. اما شاید مهم‌ترین نامه او در این ایام، نامه‌ای است که مخاطب آن نمایندگان مجلس بودند و تا به امروز به غیر از پنج صفحه، متن کامل آن هرگز منتشر نشده است.

هیچ‌تخلفی نکرده‌ام

۱۰ مرداد امیرعباس سلطانی، خبر از نامه زنجانی به نمایندگان مجلس داد. نامه‌ای که در ۱۳ تیر ۱۳۹۴ نوشته شده بود و تا دو روز پیش متن آن منتشر نشده بود. در همان مرداد ابراهیم نکو، نماینده مردم رباط‌کریم درباره محتوای نامه گفته بود: «آنچه درباره محتوای این نامه می‌توانم بگویم این است که بابک زنجانی احتمالا خودش را به‌عنوان یک فرد تأثیرگذار در مسائل و مباحثی می‌داند که در دولت احمدی‌نژاد رخ داده است یعنی به خیال خودش در آن زمان به نفع دولت و کشور عمل کرده است. در این نامه گفته است که بر اساس تصمیم‌گیری‌های خودش یک سری کارها را انجام نداده است بلکه این کارها را با نظر مساعد برخی دولتمردان نهم و دهم انجام داده و حتما توجیه کرده است که در بعضی مسائل اقتصادی و پرونده‌ها حتی به عنوان ناجی هم حضور یافته است». دو روز پیش، باشگاه خبرنگاران تصویر پنج صفحه از این نامه را که امیرعباس سلطانی، رئیس کمیته پیگیری پرونده زنجانی در مجلس در اختیارش قرار داده بود، منتشر کرد. در بخشی از نامه که در آن اشارات مستقیمی به برخی وزرای دولت دهم و محمود احمدی‌نژاد شده، بدون اشاره مستقیم به کیفرخواستی که نماینده دادستان علیه او در دادگاه قرائت و اتهام اصلی زنجانی را اخلال در نظام اقتصادی کشور عنوان کرد، آمده است: «مردم که قدرتی را برای اخلال‌کردن ندارند و وسیله‌ای برای ایجاد اخلال ندارند و اگر فسادی به وجود می‌آید، مربوط به یک مسئول می‌باشد که فکر نکرده و اموال دولت را از بین برده... مسئولی که مسئولیت به عهده می‌گیرد، کارش آن قدر سنگین است که باید مشاور حقوقی، قانونی و اقتصادی داشته باشد و دقت کند که چه می‌کند و اگر موردتخلف شد، فساد را با او ارزیابی می‌کنند که دولت عقب‌تر از تکنولوژی و روز است و با او برخورد می‌کنند، اما در کشور ما مسئول پاک، مؤمن، باخدا اما بی‌سواد چگونه می‌تواند مسئولیت را به عهده بگیرد و باعث زیان به کشور می‌شود و چون آدم خوبی است، با او کاری ندارند و مردم می‌شوند مقصر اصلی».

اشاره به حوادث فوتبالی!

در بخش دیگری از این نامه، زنجانی به حوادث مسابقه فوتبال چند ماه پیش بین تیم‌های تراکتورسازی تبریز و نفت تهران، که با حواشی بسیاری همراه بود، اشاره می‌کند. این نشان از این دارد که احتمالا زنجانی در زندان تلویزیون هم در اختیار داشته و برنامه «نود» را هم دنبال می‌کند. او می‌نویسد: «در ژاپن وقتی سرویس مدرسه چپ شد و بچه‌ها کشته شدند، وزیر آموزش‌وپرورش خودکشی کرد، چون می‌دانست اگر زنده بماند، او را خواهند کشت. در استرالیا وقتی کشاورزان محصول خود را نتوانستند بفروشند، وزیر، خود را از بالای برج پایین انداخت چون می‌دانست اشتباه او زندگی هزاران نفر را از بین برده، شما در ایران می‌بینید که بازی فوتبال تراکتورسازی باعث چه حوادثی در کشور می‌شود و امکان هر کاری امنیتی، امکان کشته‌شدن جوانان مردم به وجود آمد و وزیر ورزش سرش را بالا می‌گیرد، ما پیدا کردیم مقصر که بوده، پسر مربی انگشتش را به شماره دو نشان داده و مشکل انگشت پسر مربی بوده. کسی به او نگفت تو مسئول برگزاری بودی، تو و مدیرکل‌های تو از روی بی‌سوادی خطا کردید، مشکل انگشت پسر مربی است؟» او سپس به جایگاه مسئولیت در ایران انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «آقایان، ما هیچ وقت موفق نمی‌شویم چون مسئول مشکلات را مردم می‌دانیم و مسئول‌شدن در ایران فقط یک جایگاه است و اگر مسئول ماه‌ها هم نباشد، اتفاقی نمی‌افتد چون کاری انجام نمی‌دهد. مسئول در ایران یک تعریف دارد؛ آنکه هر جا مسئول شدی، برو به دنبال مشکلات دوره قبل و فساد آنها را بگو، این کفایت می‌کند و تو بهترین مسئولی».

آقای زنگنه چرا هر روز مصاحبه می‌کنی؟

زنجانی که در این ماه‌ها به‌شدت زیر تیغ تند انتقادات وزیر نفت قرار داشته، خطاب به او نوشته: «در وزارت نفت، وزیر محترم آقای زنگنه وقتی آمد می‌توانست یک‌بار مرا ملاقات کند و مشکل را جویا شود و همین کاری را که من در بازداشت انجام می‌دهم، در آزادی و بدون سروصدا هم می‌شد توافق کرد، ولی به نظر من، یک وزیر باتجربه که دنبال حاشیه می‌رود، دنبال حل مسئله نبوده. بر فرض مثال نخواستی دخالت کنی و کار را به قوه قضائیه داده‌ای؛ اینکه هر روز مصاحبه کنی زنجانی به هر ایرانی ۱۱۰ هزار تومان بدهکار است و کار قاضی و قضاوت را انجام می‌دهی، در صورتی که هنوز ایشان نمی‌دانند حساب کتاب وزارتخانه‌اش با من چه هست. یک روز می‌گوید زنجانی ۲.۸ میلیارد یورو بدهکار است، یک روز می‌گوید ۲.۵ میلیارد بدهکار است و اصلا موضوع را نمی‌داند و اطلاعات او هم رسانه‌ای است، چگونه می‌تواند کمک کند». بیژن زنگنه در ماه‌های گذشته سخنان بسیاری درباره پرونده فساد نفتی و بابک زنجانی بیان کرده بود. به طور مثال وزیر نفت در انتقاد به حرام‌خواری، روز ۲۱ مهر درباره زنجانی گفته بود: «این آقا ۱۰ هزار میلیارد تومان پول مردم را خورده و حالا گردنش را بالا می‌گیرد و می‌خندد و یک کلمه نمی‌گوید این پول‌ها کجاست». بابک زنجانی که در زندان، سخنان روز سه‌شنبه وزیر نفت را مشاهده کرده بود، در ملاقاتی که روز چهارشنبه با خانواده خود داشته در واکنش به سخنان زنگنه گفته است: «در دادگاه با استناد به اسناد و مدارک، مشخص خواهد شد چه کسی خدمت و چه کسی خیانت کرده است و مال حرام خورده است».

احمدی‌نژاد می‌خواست وانمود کند مردمی است

زنجانی که تاکنون درباره محمود احمدی‌نژاد به‌صراحت سخن نگفته بود، در این نامه درباره او می‌نویسد: «البته این اتفاقات در دولت قبل هم بوده. آقای احمدی‌نژاد برای هر پروژه‌ای رفت و کلنگ زد که بگوید چقدر مردمی است اما وقتی من در مصاحبه با تلویزیون BBC گفتم موضوع تأمین اجتماعی دروغ بوده و اهمیت نداشته، منی که ۲۲ فروند هواپیما به کشور وارد کردم و قشم‌ایر را راه‌اندازی کردم و خدمت کردم، به معاونینش و وزرا نامه زد که کسی در افتتاحیه شرکت نکند. حتی به رئیس هواپیمایی کشوری هم گفته که نرود و خدا را شکر که من نیازی به هیچ کدام ندارم و مثل مردم امیدم خداوند است و این کشور با معجزه و صدقه‌سر حضرت آقا، روی پا است و بس».

همکاری با بانک‌ها، شهرداری تهران و قرارگاه خاتم‌الانبیا

او درباره نوع همکاری خود با چند بانک داخلی و همچنین قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه پاسداران نوشته است: «آقایان، من از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ برای بانک‌های ملی، صادرات، ملت، توسعه صادرات، سرمایه، مسکن، پارسیان و غیره سیستمی را نصب کردم و روزانه ۳۰۰ حواله جمعا ۳۶۰۰۰ حواله خارجی انجام داده‌ام که معادل آن را در کشور تحویل و سرمایه‌گذاری کرده‌ام. من از طریق این سیستم، ارز قابل‌انتقال ارسال کرده‌ام و آنها ارز داخلی و غیرقابل استفاده به من داده‌اند که من عین آن را در کشور سرمایه‌گذاری کرده‌ام. آقایان، من یک دستگاه رک حفاری دریایی خریداری کرده‌ام، آقایان، من به قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه بیش از ۲۰۰ میلیون یورو پول قرض دادم و ۲ سال طول کشید تا آن را پس گرفتم و کماکان ۳۰ میلیون یورو طلبکارم. آقایان، من با این سیستم، پل صدر را سرمایه‌گذاری کردم و واردات قطعات آن را انجام دادم و بعد از ۲ سال به جای پولم، تراکم به من دادند و مجبور به ساخت پروژه ایران زمین شدم. آقایان، من جرثقیل‌های غول‌پیکر برای سپاه خریدم و در اختیار مسئولین گذاشتم، ساخت هتل و کشتیرانی، خودروهای نفت‌کش و صدها پروژه ایجاد کردم، برای حج و زیارت که پول را زیر گوسفند می‌بستند و پول برای زائرین به مکه می‌بردند، پول را در بانک‌های عربستان انتقال دادم و پول آن را گرفتم و در ایران سرمایه‌گذاری کردم. من در ترکیه و تاجیکستان سرمایه‌گذاری‌های درستی کردم که منافع آن برای سربلندی کشورم بود، ولی من هرچه هزینه کردم، این ۱۵ میلیارد یورو تمام نمی‌شد». پیش از این و در تاریخ ۱۲ اسفند ۹۲ خبرگزاری ایسنا گزارش داده بود که محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری خود، همکاری زنجانی با سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات را تأیید کرده بود. البته همان زمان که موضوع تهاتر شهرداری تهران و بابک زنجانی بر سر پروژه صدر و قطعه‌زمین خیابان ایران‌زمین پیش آمد، پورزرندی، معاون مالی وقت باقر قالیباف، شهردار تهران توضیح داد که هیچ تهاتری در کار نبوده است. پورزرندی در تاریخ ۱۸ آذر ۹۲ گفت که همکاری با زنجانی در پل صدر و برخی امور دیگر شهرداری صحت دارد اما ادعاهای دیگر او مبنی بر تهاتر را تکذیب کرد.

اشتباه در تاریخ تحریم بانک مرکزی؛ عمدی یا سهوی؟

بابک زنجانی در ادامه شرایط ایران در دوره تحریم را این‌گونه توصیف می‌کند: «سال ۱۳۸۸ بانک مرکزی ایران مورد تحریم قرار گرفت و حساب‌های او در تمام دنیا بسته شد، و دیگر با فروش نفت نمی‌توانست پولی در حساب خود دریافت کند، مجبور شد به وزارت نفت مأموریت بدهد که پول نفت در حساب نفت در خارج بماند و به دستور بانک مرکزی آن مبالغ هزینه شود، پس از چند ماه وزارت نفت هم در لیست تحریم قرار گرفت و مسئولان تصمیم گرفتند پول نزد خریداران خارجی بماند و آنها هزینه کنند، به دستور بانک مرکزی ایران و بعد از ارسال نفت به آنها و طلب از آنها متوجه شدند آنها حاضر به پرداخت نیستند و درست هم می‌گفتند که اگر خارج از سیستم شرکت پولی پرداخت شود، جنبه پول‌شویی پیدا می‌کند؛ پس بنابراین امروز می‌بینیم که شرکت‌های خارجی بدهکارند و چیزی در دست نداریم، جز یک حساب دفتری». بررسی‌ها نشان می‌دهد که بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۹۰ مورد تحریم قرار می‌گیرد. زنجانی در نامه خود تاریخ تحریم را سال ۸۸ اعلام می‌کند. از آنجایی که این تاریخ مشخص و معلوم است، این اشتباه کمی عجیب به نظر می‌رسد. در کیفرخواستی که علیه زنجانی در دادگاه قرائت شد، اشاره می‌شود که او از حربه تحریم برای بازنگرداندن پول نفت استفاده می‌کند. پیش از این بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران، گفته بود: «بابک زنجانی بیش از دو هزار و ۷۰۰ میلیون دلار از پول نفت را پس نداده و به نظر من از اول هم قصد نداشته که پس بدهد». پیش از آن نیز امیرعباس سلطانی به «شرق» گفته بود: «بابک زنجانی می‌گوید از زمانی که تحریم‌ها تشدید شد، نتوانستم پول‌ها را برگردانم، درحالی‌که آخرین سررسید بدهی‌های زنجانی، چندروز قبل از تحریم بانکی بوده است؛ یعنی اگر می‌خواست پولی پرداخت کند یا اراده‌ای برای پرداخت داشت، این امر میسر بود».

وزیر نفت احمدی‌نژاد به فکر خرید مرغ بود!

زنجانی در ادامه نامه خود با انتقاد از وزیر نفت دولت دهم نوشته است: «وزیر نفت به‌جای کار نفتی، دنبال خرید مرغ بود و هر کس یک مهندسی می‌کرد و چنان همه صحبت می‌کردند که آدم به شعور خودش هم شک می‌کرد. برحسب عملکرد من درخصوص انتقالات و واردات و صدور الس‌سی و عملکرد خوب مجموعه ما، شرکت HK مربوط به وزارت نفت که در هنگ‌کنگ به ثبت رسیده بود، تقاضای افتتاح حساب بانکی در بانک مالزی اینجانب را کرد. از آنجایی که من حاضر نبودم با مجموعه‌های دولتی کار کنم، با توجه به اینکه شرکت خارجی بود و اسمی از وزارت نفت و ایران در آن نبود، اجازه افتتاح حساب را به آنها دادم. آنها در ۱۳۹۱/۳ حسابی باز کردند و برای اینکه در حساب خود پول واریز کنند، از من راهکار خواستند. آنها گفتند پول نزد بانک مرکزی ایران دارند و به من گفتند به‌جز مصرف در ایران و آن شرکت‌ها برای واردات کالا، این پول هیچ مصرف دیگری ندارد و من گفتم پول را به شرکت SCT بنکرز من در ایران به‌عنوان کارگزار بانک مالزی بدهید و من عینا وجه‌المثل آن را به هر حسابی که بخواهید واریز می‌کنم. آنها از برج ۱۳۹۱/۳ تا برج ۱۳۹۱/۱۰ مبلغ ۱.۵ میلیارد یورو در ایران داده‌اند و عینا وجه‌المثل آن را در حساب مالزی که خواسته آنها بود، دریافت کرده‌اند و از کل این مبلغ ۸۰۰ میلیون یورو به پیمانکاران و افراد مختلفی که در نظر آنها بود، دستور پرداخت داده شده و ارسال گردید. آنها اگر این مبالغ را در هر حسابی می‌خواستند قابل پرداخت بود و مشکلی وجود نداشت و انجام وظایف ما طبق خواسته آنها بوده است. بنابراین اگر ایرادی دیده می‌شد، در طول آن هفت ماه چرا عنوان نشد و حال که دولت عوض شده، ایراد وارد می‌کنند؟»

این تنها بخش‌هایی از آن بخش از نامه زنجانی خطاب به نمایندگان مجلس است که منتشر شده. به نظر می‌رسد با اینکه بیش از دو سال است که درباره زنجانی و موضوع بدهی نفتی او سخن گفته شده، هنوز بسیاری از زوایای شخصیتی او و مسائل موجود در این پرونده ناگفته باقی مانده است. شاید جلسات دفاعیات او در دادگاه بتواند بخش بیشتری از ناگفته‌ها را عیان کند. جلسه بعدی دادگاه زنجانی که مختص به دفاعیات اوست، ۹ آبان در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب برگزار می‌شود.

آیت‌الله جنتی:

باید برجام را تمام‌شده بدانیم

ایسنا: آیت‌الله احمد جنتی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران با بیان اینکه برجام در مجلس بررسی شد، گفت: «برخی خیال می‌کنند مجلس برجام را تصویب کرده است درحالی‌که برجام در شورای‌عالی امنیت ملی مطرح شده و آنها نظر داده و تأیید کرده‌اند یعنی هنوز به امضا و تأیید رهبری نرسیده و کاری که مجلس کرد در حاشیه برجام بود». او افزود:« باید برجام را تمام‌شده بدانیم و دیگر در جلسات عمومی مطرح نشود و بدانیم که اگر خیر یا شر، کم یا زیاد و خوب یا بد بوده است دیگر باید آن را تمام‌شده تلقی کنیم و باید پیگیر حقوقمان در برجام باشیم». جنتی همچنین با تأکید بر اینکه دولت باید در موضوع برجام قاطعیت نشان دهد و در این زمینه نباید برخوردهای افراطی و تفریطی داشته باشیم، افزود: «امیدوارم اشتباه کرده باشم اما به نظر من برجام و موفقیت‌هایی که طرف ما به دست آورد گام اولشان بود و اگر مقاومت نکنیم، سراغ موضوعات دیگر می‌روند و خواهند گفت که اسرائیل را به رسمیت بشناسید، حقوق زن و مرد را مساوی کنید، حکم قصاص را بردارید، ازدواج هم‌جنسان را تأیید کنید و ارتباط خود را با حزب‌الله لبنان و سوریه و عراق قطع کنید». جنتی با اشاره به اینکه نقشه آمریکایی‌ها حاکم‌شدن بر منطقه و ایران است، گفت: «می‌خواهند سوریه، لبنان، عراق و سپس ایران را قبضه کنند و در داخل نیز به‌دنبال نفوذ برای رسیدن به اهدافشان هستند. می‌خواهند در مراکز تصمیم‌سازی مثل مجلس، نفوذی‌های خود را بفرستند، در دولت نیز مراکز تصمیم‌سازی به غیر از هیأت دولت به‌عنوان زیرمجموعه وجود دارد که می‌خواهند در آنها نفوذ کنند و همچنین قصد حاکم‌کردن فرهنگ غربی را دارند که ان‌شاءالله این آرزوها را به گور خواهند برد».

خطیب نماز جمعه این هفته تهران همچنین به سالگرد درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی و مراسم یادبود رحلت آیت‌الله خزعلی اشاره کرد و به بیان خاطره‌ای از شخصیت وی پرداخت و گفت: «در شب ۲۱ ماه رمضان سال ۷۴ آیت‌الله خزعلی در مراسم دعایی در قم حاضر شدند که در این مراسم بچه‌سیدی بود که مدت‌ها زجر می‌کشید و می‌خواست خود را بکشد و دوبار علی (ع) را دیده بود و به او وعده شب ۲۱ را داده بودند که در این مراسم آیت‌الله خزعلی حضور داشت. در مراسم شب ۲۱ رمضان به یک‌باره آن بچه‌سید به در خیره ماند و حالش بد شد و وضعیت مجلس به‌هم خورد و بعد از مدتی گفت علی اینجا آمد و من او را دیدم چون به من گفته بودند وعده ما شب ۲۱ است و همچنین به من گفتند که خزعلی را دوست می‌دارم چون خیلی مردم را هدایت کرده است».

خبر

علی لاریجانی:

زمانی پیام می‌دادند که ۴۰۰ نقطه ایران را بمباران می‌کنیم

• **خانه ملت:** علی لاریجانی، رئیس مجلس، روز پنجشنبه در دومین کنگره سرداران و چهار هزار و ۵۰۰ شهید تدارکات و پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه ۱۲ سال کشور درگیر مسئله هسته‌ای بود و فرازونشیب‌های فراوانی را در دولت‌های مختلف پشت سر گذاشت، گفت: «رهبر معظم انقلاب کسی بود که در شکل‌گیری دانش هسته‌ای نقش مؤثری داشتند و ایشان در مقابل فشارها ایستادگی کردند. بعد از آنکه مقدماتی در عرصه صنعت هسته‌ای کشور به دست آمد فشارهای زیادی را بر کشور وارد کردند تا تعلیق انجام شود که اقدام خوبی نبود. در خاتمه کار باز هم نقش رهبری در رأس تحریم‌ها و حفظ دانش هسته‌ای بسیار مؤثر بود». او افزود: «زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بودم تهدیدهای متفاوتی انجام می‌شد یک روز از طریق یکی از کانال‌ها پیام آمد که ۴۰۰ نقطه کشور شما را بمباران می‌کنیم اما عاملی که باعث ایستادگی می‌شد، نقش رهبری بود. نقش رابطه ولایی‌داشتن و رهبری یک نقش سعادت‌آفرین است». رئیس قوه مقننه به وجود بحران در کشورهای فلسطین، عراق، سوریه، یمن و لیبی اشاره کرد وگفت: «منطقه درحال‌حاضر در یک غلیان امنیتی است که عوامل مختلفی در ایجاد این وضعیت مؤثر بوده‌اند. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم تا عده‌ای امنیت منطقه را از بین ببرند. در یک سال اخیر جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در ایجاد آرامش در منطقه داشته است تا این نیروهای تروریسم به عتبات عالیات و بغداد دست پیدا نکنند». او افزود: «در دو، سه روز گذشته آمریکایی‌ها در مورد آزمایش‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران حرف‌های نامربوطی زده و نشان داده‌اند که به دنبال ماجراجویی هستند، درحالی‌که ما مسیر روشنی برای حفاظت از بنیه‌های دفاعی خود داریم». لاریجانی به تلاش مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه دفاعی کشور در سال گذشته اشاره کرد و گفت: «بودجه دفاعی کشور در سال گذشته به شدت مورد حمایت مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. ایران اگر بنیه دفاعی قوی نداشته باشد در بحران‌های منطقه نمی‌تواند کار کند. ماجراجویی آمریکایی‌ها ادامه دارد و ما باید آمادگی کامل داشته باشیم و همه نهادها به خصوص سپاه نیز باید آمادگی مطلوب خود را حفظ کنند، در این زمینه نقش تدارکات سپاه نیز بسیار مهم است».

آیت‌الله یزدی:

مبلغان از فرصت محرم برای خبرگان استفاده کنند

• **انتخاب: آیت‌الله** محمد یزدی، رئیس مجلس خبرگان رهبری، در مصاحبه‌ای با نشریه ویژه «تبلیغ جامع مدرسین» گفت: «مجلس خبرگان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حساس‌ترین، مؤثرترین و مهم‌ترین نهاد است؛ یعنی حتی از نهاد رهبری، شورای عالی امنیت ملی و ریاست جمهوری هم حساس‌تر و مهم‌تر است. نظام جمهوری اسلامی ایران متشکل از قوا و نهادهای مختلف است و در رأس این مجموعه نهادها، نهاد رهبری است و در کنار رهبری، مجلس خبرگان است و از نظر من، مجلس خبرگان حساس‌تر از نهاد رهبری است».او افزود: «در آستانه پایان دوره مجلس خبرگان رهبری هستیم و من به عنوان عضو مجلس خبرگان، وظیفه مبلغان را آشناکردن مردم با اهمیت مجلس خبرگان می‌دانم؛ هم‌چنین آشناکردن مردم با کسانی که می‌خواهند وارد انتخابات شوند و در آن شرکت کنند و وارد مجلس خبرگان شوند. کسانی باید وارد مجلس خبرگان شوند که سکاندار نظام را بشناسند؛ کسانی باشند که بدانند نظام را باید به دست چه کسی بسپارند...وظیفه مبلغین ما این است که از فرصت‌های تبلیغی استفاده کنند و مردم را روشن کنند».او ادامه داد: «مردم باید بدانند و مبلغان باید آنها را آگاه کنند که شرایط بسیار حساسی است و هرکسی نمی‌تواند بیاید یا هر کسی نباید بیاید. مردم وقتی می‌خواهند رأی بدهند، باید بدانند به چه کسی رأی می‌دهند و این مسئله، غیر از رأی مجلس شورای اسلامی است. مجلس شورای اسلامی برای آب و نان مردم کار می‌کند؛ اما مجلس خبرگان برای اساس نظام و حفظ نظام و حاکمیت نظام و اسلام کار می‌کند؛ ازاین‌رو باید متوجه باشند اعتبار و ارزش و اهمیت کسانی که می‌خواهند وارد مجلس خبرگان شوند، در چه پایه‌ای است. لذا درباره واجدشرایط‌بودن افرادی که به آنها رأی می‌دهند باید بیشتر دقت کنند».

بریده اخبار

- رحیم صفوی: توان دفاعی ایران برای تأمین امنیت منطقه به‌کار گرفته شده است/ ایلنا
- معلمان ایرانی بازداشتی در امارات آزاد شدند/ فارس
- هاشمی‌رفسنجانی: مصلحت نیست کشور در آستانه انتخابات دچار تفرقه شود/ ایسنا